

فرهنگ پژوهش

مجله فرهنگی، اجتماعی و سیاسی
تیریه دانشجویی دفتر پژوهش‌های فرهنگی
زمستان ۱۳۹۴، ۵۰۰۰ تومان

۳۱

پژوهش‌های فرهنگی



علامه مصباح یزدی:

اهل «اخلاص»

همنشین اهل «بطانه» و «ولیعجه» نمی‌شوند

خط نفوذ از «البقیه»ی صفین تا «لاقتال» برلین

کاتالیزورهای نفوذ در صدر اسلام

نفوذ: از دکتر ای اختصاصی تا شکلات مرحمتی

نفوذ از سفارت‌های سایه تا سیاه‌چال‌های شاه

خط نفوذ از شکل‌گیری تا ساز ماندهی

نژادپرستی، آن روی سکه نفوذ

پخت و پز نفوذ با کتابی که خمیر شد

شریح‌های تابلودار؛ توجیه‌گران نفوذ این زیاده‌ها

نفوذ از مجرای اسلام رحمانی

ورود انتخابات و تورهای نفوذ



فصلنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی



۶



۳۰



۶۲



۸۷



فصلنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی

شماره سی و یکم

نشریه دانشجویی دفتر پژوهش‌های فرهنگی

زمستان ۱۳۹۴

صاحب‌امتیاز: حجت‌الاسلام دکتر مجتبی مصباح

مدیر مسئول: حجت‌الاسلام دکتر سیداحمد همتایی

سردبیر: حسن ابراهیم‌زاده

مدیر اجرایی: حجت‌الاسلام علیرضا دهشیری

مشاور فرهنگی: حجت‌الاسلام علی‌اکبر عالمیان

طراح و گرافیکست: محمد صداقت (Graphic: umia.ir)

حروف‌نگار و امور مشترکین: حسن نیازمند رودسری

ویراستار: رضا محمدی فیروزجایی

فرهنگ‌بویا بر ویرایش و کواکبه در مطالب آزاد است. آثار مندرج در نشریه به بیانگر دیدگاه‌های نویسندگان آن‌هاست. این نشریه از داخل و خارج کشور مشترک می‌پذیرد. نقل و اقتباس از مطالب نشریه فقط با ذکر ماخذ مجاز است. مطالب از سال‌شده به‌تدریج برپایه پویا بازنه‌کرانده نمی‌شود.

نشانی: قم ایلامین ۲۰ متری گلستان / کوچه ۴ / بلاک ۳۱

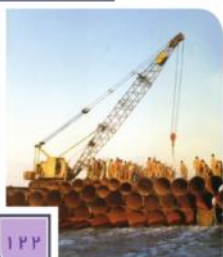
Email: Puya@Qabas.net

صندوق پستی: ۳۷۱۶۵/۱۴۶

تلفکس: ۰۲۵۱-۲۱۱۳۶۶۷-۸



۱۱۴



۱۲۲



۱۳۲



۱۳۶

حرف اول ۴

- ۶ لزوم نگاه به درون و برهیز از نگاه به بیرون / علی‌اکبر عالمیان
- ۱۲ شاخصه‌های نفوذ از نگاه نهج البلاغه / حسین فلاح‌زاده ابرقویی
- ۱۸ با احساس اولین قدم نفوذی به مقابله برخیزید / اسحاق امام
- ۲۰ فراموش نشود دشمن دارد برای نفوذ طراحی می‌کند / اسحاق رهبر معلم انقلاب
- ۲۲ خطر نفوذ از دیدگاه استاد شهید مطهری / رضا محمدی فیروزجانی
- ۲۸ اهل «اخلاص» همنشین اهل «بطانیه» و «ولیعجه» نمی‌شود / سخنرانی علامه مصباح در سی‌امین نشست انجمن طراغ التحصیلان
- ۳۰ کاتالیزورهای نفوذ در صدر اسلام / جواد سلیمیانی
- ۳۷ فریادهای ماندگار تاریخ / غلامرضا گل‌زواره
- ۴۵ فرجام نگاه به بیرون در تحولات سیاسی معاصر / مهدی ابومالی
- ۵۱ مبانی معرفتی و دینی در استحکام ساخت درونی نظام / محسن مصباح
- ۵۷ رود انتخابات و تورهای نفوذ / سیدعلی‌محمدی پیش‌بین لشکری
- ۶۲ نفوذ لیبرالیسم از مجرای «اسلام رحمانی» / احمدرضا باقرزاده
- ۶۸ شرح‌های تابلودار؛ توجیه گران نفوذ این زیاده‌ها / حسن شریعت‌ملری
- ۷۳ نظام سرمایه‌داری خود نفوذ است / مساجبه با آقای ابراهیم محمدی
- ۷۸ پخت و پز نفوذ با کتابی که خمیر شد / سخنرانی دکتر پرویز ذوقی
- ۸۰ نفوذ از دکترای مرجعیت تا شکلات سفارشی / سخنرانی دکتر منوچهر محمدی در سی‌امین نشست طراغ التحصیلان
- ۸۴ استعفا از رهبری دنیای جنوب / اسد کاظم رحابی
- ۸۷ نفوذ پیچیده و ظریف برای استحاله انقلاب اسلامی / علیرضا دهسیری
- ۹۴ نفوذ از سفارت‌های سایه تا سایه جلال‌های شاه / محمدعلی جعفری
- ۹۷ نظریه توطئه و مسئله نفوذ / محمد محمدی‌نیا
- ۱۰۵ سبک‌شناسی تحلیلی «نفوذ» / محمدحسین وفاییان
- ۱۰۹ خط نفوذ از شکل‌گیری تا سازماندهی / هادی مجیدی
- ۱۱۴ ارتباط با آمریکا و اسرائیل چه تفاوتی با ارتباط با دیگر کشورها دارد / علی‌اسفر سیاحت‌هویی
- ۱۲۲ اثبات «ما می‌توانیم» در دفاع مقدس / علی‌اکبر بیاری
- ۱۲۸ نقش رسانه‌ها و سینماهای خارجی در القاء «ما نمی‌توانیم» / الهام عباسی
- ۱۳۲ خودباوری سبک‌مقابله با نفوذ / هادی‌وحسین خانی
- ۱۳۶ فرعونیت سرعت‌نوبین نظام سلطه / انسیه سعادت تک‌کلی
- ۱۴۱ نژادپرستی آن روی سکه نفوذ / آریب ابودری
- ۱۴۳ حرف آخر / خط نفوذ از «البقیة» صفین تا «الافتال» برلین / حرف آخر
- ۱۴۴ فرم اشتراک



حرف اول

مدیرمسئول

تبرئه خویش و اشتباهات مکرر خود دلسوزان اسلام و انقلاب اسلامی را نیز با ادبیات رکیکه و ازگان ناروا و برجسب‌های دهن شأن و خلاف تشوون و ادب متهم می‌سازند شما خود دوری کنید. آیا دادن امتیاز و اعتبار کدخدایی جهان به آمریکا و ترساندن جامعه از خشم کدخدا و پیشنه‌باد دم کدخدا دیدن و جامعه را از حمله نظامی آمریکا برحزب داشتن جلوتر از موعد و پیش از تحقق شرایط نظام، پیشانی‌بش به استقبال تأمین خواسته‌های دشمن رفتن و دشمنان درجه یک نظام و انقلاب اسلامی را افرادی باخلاق و باهوش دلستن و در برابر نوشته‌ها و گفته‌ها و رفتارهای هجومیز آنان کوتا‌آ‌آ‌آ‌سن و با حالتی از انفعال حاکی از ترس و واهمه از دشمن سخن گفتن و نظایر آن، نشانگان نفوذ نیست؟ آیا در گذشته‌های نه چندان دور و دراز، مواردی چون ارائه لایحه توقولو به مجلس و گسترش فرهنگ و ارزش‌های غربی و مخدوش‌سازی ارزش‌های اسلامی و انقلابی از طریق راه‌اندازی پایگاه‌های تبلیغاتی دشمن در روزنامه‌های زنجیره‌ای و مجلات و کتب انحرافی و شرکت فعال روشنفکر مآبان غرب‌پزده از جریان دوم خرداد در اجلاس برلین و استجاله و یزیش برخی از نیروهای مدعی با سلیق مذهبی و انقلابی و جهت‌گیری احزاب دوگانه مشارکت و کارگزارن به سمت و سوی لیبرال‌دموکراسی و حادانه کوی دانشگاه در تیر ۷۸ و بست‌تشی ۱۳۶ نفر از نمایندگان مجلس ششم به نفع دشمن و برپایی فتنه ۸۸ و جسارت به حضرت میثاله‌شهادا علی‌السلام و امام راحل قدس‌سزه و مقدسات مذهبی و انقلابی در روز عاشورای حسینی، نشانه‌های آشکار و بی‌پرده از جریان نفوذ نیست؟ اگر این همه نشانه بیانگر نفوذ دشمن نیست پس چیست؟ این اظهارات جرجیل را نباید هیچ‌گاه از نظر دور داشت که گفته بود «ایا

... به یاد آ‌زیرهای وضعیت قرمز دوران بسیار خاطره‌انگیز هشت سال دفاع مقدس...

توجدا توجه! مقالاتی که پیش رو دارید، علامت وضعیت قرمز است و معنا و مفهوم آن این است که خطر نفوذ دشمن قطعی است. با تکیه بر ولایت فقیه و رهنمودهای امام‌خانه‌ای به پناهگاه امن ولایت پناه برید تا در سایه‌سار چتر برافراشته ولی و ولایت‌فقیه از شر و فتنه دشمنان در امان بمانید.

نشانگانی که طی سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از جمله از ناحیه دولت موقته پس از آن دوره ریاست جمهوری بنی‌صدر، به دنبال آن دولت تک‌وکرات‌ها، سپس جریان کور دوم خرداد و طرح صلح با آمریکا و فتنه‌های سال‌های ۷۸ و ۸۸، تا دادوستدهای پشت‌پرده با بیگانگان و جریان شیرازی‌ها و طیف شیعه انگلیسی‌وس، هر از چند گاهی به طور متوالی و به اشکال گوناگون در برابر جبهه انقلاب اسلامی و صف مستحکم مردم مشاهده می‌کنید، بر حسب موارد از میزان و کیفیت اراده و عزم و جدیت بیگانگان برای نفوذ در ساختار سیاست و تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری دولت و نظام جمهوری اسلامی خبر می‌دهد. با این همه نشانه‌های بارز و نمایان، شگفتنا از کسانی که آگاهانه یا ناآگاهانه به انکار جریان نفوذ و حضور نفوذی‌ها می‌پردازند و یا خطر نفوذ دشمن را توهمی بیش‌نی‌پندارند! طبعاً این انکار و پندار، بیش‌تر توسط اشخاصی ابراز می‌شود که خواسته یا ناخواسته، از روی آگاهی و یا ناآگاهی زهر نفوذ در وجودشان تزریق شده است و در نتیجه به تمییز روان‌شناسانه به حالت ضد‌حساسیت رسیدند، همانند کسی که در محیط مزبله و کثافت به حالتی می‌رسد که دیگر بوی زباله و کثافت را احساس نمی‌کند. اینان با این حالت، نه تنها به انکار نفوذ و نفوذی‌ها روی می‌آورند، بلکه برای

استفاده از دو عنصر اقلیت خان و اکثریت ناگام می‌توان به اهداف استعماری در دیگر کشورها دست یافت.^۲ بی‌گمان، پیش از این اقلیت خان کسانی هستند که در بدنه و ساختار و مراکز تصمیم‌گیری و تصمیم‌گیری نظام جای گرفته و یا به نوعی در این قبیل مراکز نفوذ کرده‌اند و مانند موریه از درون در اندیشه فروپاشی نظام به سر می‌برند. به علاوه این اقلیت خان همواره و در هر شرایطی از حمایت جدی خواص بی‌صیرت برخوردارند و اغراض فرهنگی-سیاسی و بعضاً منویات حتی اقتصادی خویش را در زیر چتر حمایت این دسته از خواص بی‌چوبی می‌کنند و به آن‌ها جلمه عمل می‌پوشانند. در این میان، چنان‌چه اهل بصیرت عمارگونه به میدان نیایند و روشنگری نکنند، آن اقلیت خان با توجه به امکانات گسترده‌ای که در اختیار دارند، با سرعتی حیرت‌آور ذهنیت اکثریت ناگام را تصرف و تصاحب می‌کنند و این بار مطالبات خود را از مسیر زبان و مرام مردم جویا می‌سازند و نظام را با چالش جدی مردمی روبرو می‌سازند. عمروعاص و معاویه اگر تاب جنگین را با سپاه امیرالمؤمنین هم می‌داشتند، تاب روشنگری جناب عمار را نداشتند و به همین دلیل با تدابیر شیطانی خود و با نقشه‌ای از پیش طراحی شده، وی را به شهادت رساندند تا یک بار دیگر تاریخ شاهد صندق کلام حضرت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم باشد که خطاب به عمار فرمودند: «إِنَّكَ لَتَمُوتَ حَتَّى تَقْتُلَكَ الْفِتْنَةُ الْبَاطِنَةُ الْكَاذِبَةُ عَنِ الْحَقِّ»^۳ تو نخواهی مرد تا این که تو را گروه ستمگر فاجر رویگردان از حق خواهد کشت. ای کاش ده نفر مانند عمار در سپاه حضرت علی علیه‌السلام حضور داشتند تا با روشنگری خود، مانع نفوذ ترفندها و شیطنتهای دشمن می‌شدند.

از جمله سیاست‌های شیطانی دشمن این است که اعتماد مردم را به سوی خویش جلب کرده، نگذار آن‌ها به بصیرت فکر خود در راستای تأمین امنیت و استقلال کشور و نظام بی‌برند، بلکه به عکس دشمن تلاش می‌کند این توهم را ایجاد کند که از طرفی نظام کارآزمی لازم را در تأمین منویات و اهداف خود از دست داده است و از سوی دیگر کاری از مردم نیز ساخته نیست، ایجاد توهم و احساس ناتوانی و ضعف و تقویت روحیه منفی‌یابی و منفی‌نگری، ارکان اجتماعی را از درون سست می‌کند و جامعه را نسبت به آینده‌ی سرشار از امید و موفقیت بدبین می‌گرداند و اعتماد آنان را به نیروی لایزال الهی و درونی خود از بین می‌برد. اما مردم ایران دیده و شنیده‌اند و بعضاً حتی به خاطر دارند که اعتماد مصدق به غرب و به‌ویژه به آمریکا زمینه‌ساز نفوذ دشمن و کودتای ننگین و خفت‌بار ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را فراهم آورد. سبک سمردن مردم یک جامعه و ناتوان‌نگاشتن وضعیف‌نشدن آنان یکی از صدها حربه‌ای است که مستکبران علیه جامعه می‌کنند که درجهد تسخیر آنان برمی‌آیند. فرعون نیز از همین حربه بهره جست و سالیانی دراز بر مردم و منافع آنان مستولی شد و به سلطه‌گری تجاوزگرانه و ظالمانه خویش ادامه داد. قرآن در این باره می‌فرماید: فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَاظْمَأَسَدُوا لَهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ (زخرف ۵۰)، فرعون مردمش را سبک شمرد (وخواهر بنداشد)، پس او را فرمانبردار شدند. به درستی که آنان مردمی فاسق بودند. این آیه نشان می‌دهد کسانی تحت تأثیر القارات و ترفندهای شیطانی دشمن رنگ می‌یازند و تسلیم خواش‌ها و تمایلات او می‌شوند که گرفتار قسطنطنیه حتی از جنس درونی‌اش باشند. این یک نشان روشن از شخصیت و وضعیت افرادی است که در جمع خواص و یا سردم، فریب دشمن را می‌خورند و در برابر شیطنتهای دشمن متغلامانه رفتار می‌کنند. در برابر حربه دروغه‌ی بایستی حربه‌ای متناظر و متناسب با آن به کار بست تا بتوان اثر سپه‌اشی

و شایعه‌افکنی و ناتوان‌سازی ناشی از خصومت دیرینه دشمنان را خنثی ساخت. هنگامی که به‌یمن توسط عناصر نفوذی خود در تلاش است تا نگاه است اسلامی به جانب او انحراف یابد و برای برون‌رفت از مشکلاتی که خود دشمن در نقشه‌های شومش پدید آورده است به دامن باصیرت انقلاب اسلامی باید بکوشند نگاه مردم را به درون و به دلشسته‌ها و توانمندی‌های خودشان جلب کنند و از دل‌بستن به جانب دشمن و امیدوار شدن به همراهی او منصرف کنند. در این دوره و زمانه، بصیرت و صبر و دوراندیشی، شرط لازم برای مصون ماندن از مکر دشمن است. این‌مانند از سز دشمن و خنثی کردن نقشه او بستگی به این دارد که یاران انقلاب اسلامی در مسیر کارزار با دشمن، از روی صندق و صفای سر و سواهی خویشند یا به دلخوند بسیاریند و با گام‌هایی استوار از راه او ثابت قدم بمانند و با بصیرت نافذ خویش دور دست دشمن را از نظر بگذرانند و از این راه نتایج هم‌سوی و هم‌گرایی با دشمن را هم ببینند. صفارایی در برابر دشمن باید به گونه‌ای باشد که هراس در دل و جان دشمن افکند و وی را در جای خودش زمین گیر سازد. حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام خطاب به محمدحنفیه در جنگ جمل می‌فرماید: «تَوَلَّ الْجَبَالُ وَ لَا تَوَلَّ عَضَى عَلَى نَاجِدِكَ اَعَزَّ اللهُ جُنُجُنَكَ تَدْفِي اَرْضُ قَدْحِكَ اِزْمَ بَصْرِكَ اَفْسَى الْقَوْمِ وَ غَضَى بَصْرِكَ وَ اعْلَمَ اَنْ اَلْتَصَّرَ مِنْ عِنْدِ اللهِ سُبْحَانَهُ»^۴ کوه‌ها از جای‌ای کنده می‌شوند اما تو (پارچه‌ها بمان) و از جای کنده نشو و (از روی غیظ و غضب علیه دشمن) ندان، غشای را بر هم بپاش و جمجمه خویش را به خدا بسیار و پای محکم بر زمین کوب و دیدگان بر دوردست دشمن بیفکن و (دبون) کم‌ترین بیم و هراس (چشم از برق شمشیر و تیزی نیزه دشمن) فرود بند و آگاه باش که پیروزی از جانب دلخوند خواهد رسید. بدیهی است چنان‌چه به توان و کارآمدی خویش آگاه باشیم و با تمام توان و نیرو در مقابل دشمن صفارایی کنیم، این دشمن است که به ناتوانی و سردرگمی خود پی خواهد برد و چاره و تدبیر را از دست خواهد داد. تجربه ده سال جنگ و گریز؛ دو سال جنگ‌های داخلی و هشت سال دفاع مقدس، نشان داد که کشور جمهوری اسلامی ایران به پشتوانه انقلاب اسلامی و جایگاه رهبری والا مقام و مردم بیدار و باصیرت و هشیار و وفادارش می‌تواند در هر شرایطی از عهده دفع حمله دشمنان برآید و از نفوذشان در ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری پیشگیری کند و نقشه‌های شوم آنان را نقش بر آب سازد. همراهان تیزبین «فرهنگ پویا» بر آن شدند تا این شماره از نشریه را به بررسی پدیده شوم نفوذ دشمن از یک سو و تجزیه و تحلیل قدرت نرم نیروهای وفادار و پاسدار انقلاب اسلامی در روبرویی با ترفندها و حمله‌های دشمن، از سوی دیگر اختصاص دهند. این شما فرهیخته‌تران و این‌ها جان‌نواشته‌های دوستان شما در فرهنگ پویا.

بی‌نوشتها

۱. desensitize

۲. به نقل از دکتر موسی حقایق، مدیر مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، مراجعه شود به: <http://mashrooat.pchi.ir/show.php?page=contents&id=17506>

۳. ابنی، عمالیق، المغیر، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ ق، اول، ج ۹، ص ۲۱.

۴. بهج، الامانه، خطبه ۱۱، من کلام له علیه‌السلام ۱۷۰۰، ترجمه محمد بن حنفیه، قم، انتشارات الراهه، بوم الجمل.

حط نفوذ از «البقیه»ی صفین تا «لاقتال» برلین

گاهی سرنوشت یک انقلاب، یک نهضت و حتی یک تمدنی تنها با یک اشاره یا ظاهر شدن یک نماد و یا سر دادن یک شعار تغییر می‌کند، آن‌جا که همین اشاره و نماد و شعار رمز قرا رسیدن لحظه ورود به مرحله اقدام باشد، بی‌شک مرحله اقدام، مرحله پس از بسترسازی، آماده‌سازی و سازماندهی نیروهای نفوذی در داخل و هماهنگی با دشمن بیرونی در خارج است که گاه ماهها و گاه سال‌ها به درازا می‌کشد.

در جنگ صفین قبل از بالا رفتن نصاب قرآن‌های بر نیزه رفته و سر دادن شعار «لا حکم الا لله» که مرحله اقدام بر ضد امیر مؤمنان (ع) بود پیش اقدامی دیگری با سر داده شدن شعاری در شب حادثه روی داد که در حقیقت مرحله‌ی پایانی دو مرحله سازماندهی خط نفوذ و مرحله اقدام به شمار می‌آید که این حرکت خود بیانگر حساسیت بالای این دوره کوتاه گنگرا در راستای محک زدن و مرمزه کردن اقدام می‌توان تحلیل کرد.

شنبه شدن شعار «البقیه البقیه»ی یاران حاشینشین اشعث به معنای دریافتن جمعیتی که کشته نشده و باقی ماندن برای زن و فرزندانشان آن هم درست در زمانی که کشتنشان و لشکرکشی‌شان در استیصال کامل به سر می‌بردند، حکایت تلخی است که قبل از هر چیز پرده از بی‌صیبری در لشکریان کوفه و سرلوده و نامنمگاری پنهانی عناصر نفوذی چون اشعث با شیطان روزگار خود داشت.

شمار چرخش «چرخ زندگی» آن هم در میان لشکری که می‌رفت «کاخ سبز» معاویه و معاویه صفتان را در هم بیچید، در حقیقت شعار «هرگذاهی» از سوی کوفیان با دست خود، بود شعار هم «دنیا» و هم آخرت انمنیان درست در زمانی که شمشیر مالک می‌رفت که دنیا و آخرت واقعی را از زانوی همه کند، هم دنیا و هم آخرت را از کوفیان گرفت.

حط نفوذ کاخ خود را کرد و قرآن‌هایی که بر نیزه رفت و شعار حکمت قرآنی که سر داده شد زمانی «قرآن ناطق» را از معادلات حذف کرد، که قبل از آن نفوذیان شعار «زندگی کردن و باقی ماندن» را در لشکر علی(ع) نهادند که در آن روز چگونه علی(ع) که در روز آغازین نبرد معاویه و سپاهش را دعوت به کتاب خدا و ریخته نشدن خون است کرده نه لشکر علی(ع) و نه لشکر معاویه تن به حکمت «قرآن» و «قرآن ناطق» ندادند اما یکباره هم لشکر معاویه و هم لشکر علی(ع) درست در لحظه نزدیک شدن مالک‌ها به خیمه‌گاه «کاخ سبز» به «قرآن» بر نیزه رفته تن دادند و چهره «اسلام رحمانی» را به رخ کشیدند و در آسرا به برپایی این اسلام وارداتی و انحرافی بیست هزار نفر از تأثیرپذیران تفکر اعتدالی و اعتزالی لوموسی اشعری و اسلام رحمانی اشعث برای صلح کاخ سبزی، بر روی علی(ع) شمشیر از نیام کشیدند ریشه در شعار «البقیه البقیه» انانی در لشکر علی(ع) داشت که با از سر مایه‌ناران زانوصفتی بودند که حرکت مردمی آنان را مجبور به همراهی لشکر علی(ع) کرده بود، یا پس مانده خور خون آنان، یا متحجرین احمق، که خدا محسوری و خداخواهی را تنها در شمسار آریام صوم و رکعات صلات می‌دیدند، یا مستضعفین فکری که به جای تأمل و تفکر در سیره و سلوک «ولئی زمانه» گوش خود را به نای گوساله‌های سامری بسته بودند، آنانی که چرخ زندگی را نه در چرخش به دور «کمه واقعی» بلکه به دور «کمه سبزی» معاویه می‌دیدند و پس.

زندگی، زندگی، زندگی کردن، قبل از حکمت قرآن، واژه‌ای شد که «حیات طیبه» را در معنای به خون نشاندن و بشیرت با بنیم واژه‌ای کرد که علی(ع) داشت و چیزی را هم در کف دست کوفیان نگذاشت، و از چرخش چرخ زندگی به دور «کاخ سبز» تنها زندان‌های بی‌سقف حجاج‌بن یوسف ثقفی سر برآورد و از زندگی در سایه «قرآن‌های بر نیزه» خوارچی که هنوز یکسر جهان اسلام، طمع شمشیرهایشان را بر سر اهل شام و نینوا می‌چسند.

تاریخ ورق خورد و رابطه «امت یا امامت» به گونه‌ای دیگر در هم تنیده شد انقلابی به پیروزی رسید و مردمی یا به عرصه جهاد نهادند که در نگاه بنیادگذار آن، بهتر از مردمان عصر رسول خدا(ص) و ائمه اطهار(علیه السلام) بودند و در پی هر حرکت به

جا و به موقع آنان، خلف آن بنیادگذار «سجده شکر» کرد.

مردم برای بنیان نهادن پایه‌های «حیات طیبه» با رویگردانی از «کاخ سفید» آنچنان حماسه‌ای آفریدند که نه تنها به الگویی برای مؤمنان بلکه به اسطوره‌ای برای پابرهنگان و محرومان جهان تبدیل شدند.

مکتب اسلام ناب امام خمینی(ره) با علمداری امام خاتمی (ضمت برکنانه) عزتمندانه و عزیزانه راه خود را در پیش گرفته، تا این که واژه «زندگی کردن و زنده ماندن» با روی آوری به کاخ سفید از دل «سازندگی» متولد شد و «جامعه مدنی» «اسلام ناب» مسالوی مرگ و خشونت تفسیر شد.

خط نفوذ کاخ خود را کرد و آثانی که روزی در بدر و خندق و خیبر زیر بیرق «پوسیان» شمشیر می‌زدند، خود را به زیر بیرق کسمانی رساندند که روزی در کنار بنیادگذار انقلاب سنگ «حیات طیبه» را به سینه می‌زدند، شمشیرهای برهنه دو قوای نظام با نام‌های دوقلو بر روی فرزند علی(ع) کشیده شد و او را وادار به نوشیدن زهر در امضاء مشروعبت «کاخ سفید» و باز داشتن «مالک‌ها» از رانمه نبرد کردند.

آثانی که به دنبال زندگی کردن در سایه «کاخ سفید» بودند بی‌مهابا در «برلین» گردهم آمدند تا شعار «البقیه» بیرون آست را با شعار «لا قتال» بیرون حسن بصری که پیامبر(ص) از او به سامری امت یاد کرده بود با هم بیوند بزنند.

محمود دولت‌آبادی که خود هیچ نقشی در حماسه مردمی نداشت و در هیچ انتخاباتی هم با مردم پای صندوق‌ها نرفته بود، در کنفرانس برلین که تیور واقعی یک «جامعه مدنی» بود پشت تریبون رفت و با تکرار «ژ زندگی بگویید» از «هرگذاهی» سخن همه اعتزالیون و اعتدالیون در برابر مکتب اسلام ناب را بر زبان جاری کرد.

اما اینبار رابطه «امت و امامت» به گونه‌ای بود که علی زمانه ایستاد هم در برابر شمشیرهای برهنه لایح دوقلو و هم شاره‌هایی که در پس شیرینی ظاهریشان زهری کشنده نهفته بود و هم در فتنه ۷۸ و هم فتنه ۸۸ مرادها و رفت و آمدهای پنهانی...

هزاران مالک در عراق و سوریه و یمن ماشین جنگی کاخ سفید را به گل نشاندند و از حسینی‌ها سزمین حجاز و بحرین و نیجریه فریاد حیرت جبر بلند است. دیگر برای روشنفکران وابسته به معاویه در سزمین‌های اسلامی و فریادخواهی است در بیداری اسلامی راهی جز شیوه عمروعاص در کرپز از میدان نبرد نمانده است.

رسانه‌های کاخ سفید برای خاموش کردن بصیرت‌افزایی «عمارها» را ندارند و نه شعار «البقیه» و نه فریاد «لاقتال» تأثیری در اراده و راهی که یاران علی زمانه برگزیدند نمی‌گذارد. اشعث‌های زمانه به خوبی می‌دانند که حتی اگر بیست هزار نیرو را فراهم کنند تا شمشیر از نیام برکشند و علی زمانه را وادار به عقب‌نشینی یارانش کنند تنها از یک محله تهران نوبست هزار مالک اشتر شمشیر از نیام خواهند کشید و انتقام لحظات غریبه‌انه مولایشان را از عمروعاص به دست خواهند دادند و شمشیر از نیام برکشند است. موقعیت جنگ صفین در امروز، موقعیت بدر و خیبر است. اگر روزی نسل اول و دوم سربازان امام تنها نواهای کاخ سفید را در خلیج فارس و تنگه هرمز رسد می‌کردند، روض‌های اسلام ناب، شناورهای نظام سلطه را در آن سوی دریای مدیترانه و دریای سرخ در تیررس خود دارند این در حالی است که اندیشه ناب اسلام محمدی(ص) و اسلام انقلابی به فصل گل دهن رسیده است. امام تازه آغاز شده است و ما هنوز در آغاز راهیم.

ولا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم

www.F-PUYA.ir
www.CADARS.ir

برای شما فری



برای اشتراک نشریه به آدرس
سامانه اشتراک نشریات سراسر کشور به آدرس
مراجعه نمایید

این نشریه جوانه‌ای است
که در باران مهر و صمیمیت نگارندگانی همدل و همراه روینده و اکنون شکوفه‌ای
است که برای بسیاری مایه امید است.
اگر فکر می‌کنید که صفحات این نشریه
در تاریخچه‌یازار روزگار، نور و عطری پراکنده باریمان کنید
و با یاران نشریه همدل و همراه و همسفر شوید
دستان یاری‌رسان شما راه گرمی می‌فشاریم.

قم: صندوق پستی: ۳۷۱۶۵/۱۳۶
نشانی: قم، بلوار امین، ۲۰، اهتری گلستان، گلستان، ۳، پلاک ۳۱، نشریه فرهنگ پویا
<http://eshterak.ir>

تلفن: ۰۸-۳۲۱۱۳۶۶۷ (۲۵)
نشریه فرهنگ پویا

فرخوان همکاری

خواننده گرامی! شما نیز می‌توانید همکار ما باشید. فرهنگ پویا در استان
یازدی شما را می‌فرد و هم‌دلی تان را رایج می‌نهد. در صورت تمایل
به همکاری با این فصل نامه جهت نگارش و تدوین مقاله و یا
فروش و توزیع نشریه در شهرستان‌ها و مراکز استان‌ها، در قم
همکاری سایت این نشریه به نشانی: F-puya.ir
یا با تماس تلفنی و ارائه مشخصات، بست نام فرمایید.
۰۲۵-۳۲۱۱۳۶۶۷-۸
از ساعت ۱۲ تا ۸



وصیت امام به همه

مرگ سرخ شرافتمندانه به از زیستن اشرافی ذلیلانه

کلام مرحوم مدرس آن روحانی متعهد پاک سیرت و پاک
اندیشه را به خاطر بسپارید که در مجلس افسرده آن روز گفت:

«گفتم که باید از بین برویم، چرا یادست خود برویم.»

من هم امروز به یاد آن شهید راه خدا به شما برادران مؤمن
عرض می‌کنم اگر ما یادست جنابست کار آمریکا و شوروی از
صفحه روزگار محو شویم و

**با خون سرخ شرافتمندانه با خدای خویش ملاقات
کنیم؛ بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سرخ شرق
و سیاه غر ب زندگی اشرافی مر فیه داشته باشیم.**

و این سیره و طریقه انبیای عظام و ائمه مسلمین و بزرگان دین
مبین بوده است و ما باید از آن تبعیت کنیم؛ و باید به خود
بیاوریم که اگر یک ملت بخواهند بدون وابستگی‌های زندگی
کنند می‌توانند؛ و قدرت‌مندان جهان بر یک ملت نمی
توانند خلافاً بده آنان را تحمیل کنند.

صحیفه امام، ج ۲۱، ص: ۴۴۱

